

نو یافته‌هایی از باورهای دینی ایلام باستان

دکتر عبدالحمید رضایی

عضو هیأت علمی پژوهشکده باستان شناسی کشور

دکتر عبدالمجید ارفعی

پژوهشگر زبانهای باستانی

info+abdolmajid@anthropology.ir

معصومه دوستعلی

باستان شناس - پژوهشکده هنر های سنتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱۸)

چکیده

آیین‌ها تکرار اعمالی است که نیاکان یا موکلین از پیش از تاریخ انجام می‌دادند. پرستش خدایان متعدد در میان رودان، هند، آسیای مرکزی، مصر، آفریقا، و نزد اینکاها، مائوریها، یونانی‌ها، ایلامیان، قبایل استرالیایی، پولونزی، ملانزیایی، و... به مناسبت قداست مکانی پدیده‌ها و یا رویداد های طبیعی بوده است، که انسان‌ها در تقابل با نیروهای شگفت‌انگیز طبیعت در چنین مراکزی اقدام به برپایی مکان‌های آیینی، یادمانی و ساخت معبد نموده است. آیین‌ها بگونه‌ای انسان را از روزگاران دور به ابدیت می‌رساند. بیشتر معابد در کنار رودخانه‌های عصیانگر و یا در درون جنگل‌های مخوف و یا در ارتفاعات صعب‌العبور برپا گردیده‌اند. پسرکانه‌های جلگه خوزستان از نظر زمین‌شناسی امتداد شرقی میانرودان محسوب می‌شود. هر دو سرزمین ایلام و میان‌رودان در منطقه اقلیمی خشک تا نیمه خشک قرار دارند. بر این اساس هر از گاهی بر اثر باران‌های کوهستانی دچار طغیان رودخانه‌های عظیم کرخه، کارون، دز و دجله و فرات می‌گردند. ایلامیان همسان با همسایه غربی‌شان اقدام به ساخت معابدی در کنار رودها برای خدایان آب‌ها نموده‌اند، تا از بلایای ناشی از سیل در امان بمانند. علاوه بر آن برای خدایان حافظ روستاها و شهرها معابدی ایجاد نموده‌اند. خدایان کم‌اهمیت‌تر نیز معابدی داشته‌اند. بر نمای بیرونی معبودی از معابد آجرنوشته‌هایی با متن‌های مشابه بکار می‌برده‌اند تا از گزند و تخریب معبد توسط دشمنان و ناآگاهان جلوگیری نمایند. معبد کمول (تل برد کارگر) شوشتر از جمله مکان‌های آیینی دشت شوشان بوده است که اطلاع‌چندانی از آن در دسترس نمی‌باشد. آجرنوشته‌های مکشوفه از این معبد تنها سندهای نوشتاری باز مانده از این بنای ارزشمند ایلام میانه است، که در گذشته‌های نه‌چندان دور در چشم‌انداز شرقی کارون از شکوه و منزلت ویژه‌ای برخوردار بود.

واژگان کلیدی: ایلام، باورهای دینی، معابد، تل بردکارگر شوشتر

مقدمه: پیدایی معابد در خاور نزدیک

متن های اخترشناسی بازمانده از عصر آشور خصوصیات اخترشناسی [آیین ستاره پرستی کهن بابلی] را دارد [دربرخی از این متن ها اشاره ای به دوازده برج منطقه البروج] اخترشناسی بدوی منطقه البروج نشده است [بنابراین انتقال به مرحله دوم می بایست در عصر آشور رخ داده باشد (واندروردن ۱۳۷۲، ص ۲۵۲).]

تاریخ پیدایش معابد و نخستین آیین ها در جهان به روشنی مشخص نمی باشد. پیکره های زنانه غار اورینگناسی با شاخی در دست (مربوط به دوره کهن سنگی بالایی) را در اروپا مقدمه ای بر پرستش ماه دانسته اند (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۴۷).

در تاریخی فراتر از آن، ایجاد سه پله در غار دوشه (دو پادشاه) کوه دشت لرستان، که به روزنه ای رو به آسمان منتهی می گردد را می توان مرحله ی آغازین نگرش انسان های دوره موسترین به جهان لایتناهی بر شمرد. قدمت کشف چهل معبد در تپه چاتال هویوک، که قدمتشان به هزاره ششم پیش از میلاد می رسد، پیکره های مذکر در کنار گاو و پیکره های مونث در کنار پلنگ ها قرار داده اند (گاردنر ۱۳۷۰، ص ۴۶؛ فیروزمندی ۱۳۷۸، ص ۸۱)، (شکل ۱).

اریدو - معرف فرهنگ پیش از تاریخ میانرود، به نظرمی رسد. این مکان در کناره شرقی رودخانه فرات ایجاد گردیده، و کانال های باستانی از فرات به شهر کشیده شده اند. معابد هیجده گانه اریدو در گوشه ای در زیر زیگورات اریدو بنا شده بودند (ملک شه میرزادی ۱۳۷۳، صص ۲۹۶-۲۹۳).

پیرامیه بر این باور است که در ایلام: نخستین معابد در نیمه دوم هزاره چهارم قبل از میلاد از جنس گل خام (خشت) بوده اند (آمیة ۱۳۷۲، ص ۱۹). در زبان اکدی معبد را (بی تو bitu) به معنی خانه بزرگ و خانه، و در زبان آشوری (بیت) می گفته اند (بوترو ۱۳۸۷، صص ۱۵۱-۱۵۰). در زبان ایلامی که بیشتر مورد نظر ما قرار دارد - واژه سی یَن (siyan) دارای معانی چون (پرستشگاه)، (معبد) و (محراب) است (ارفعی ۱۳۷۸، ص ۹۱). در مقدمه به قداست مکان های آیینی، معابد و یادمان ها اشاره نمودیم. مکان های مقدس، جاه و مراکزی بوده اند، که محور عالم به تصویری از آنها گذر می کرده است. قطری که آسمان را به هم پیوند می دهد و از مرکز عبور می کند (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

مکان های مقدس به دلیل قداست درختی، ستاره ای، بزرگانان نی، رودخانه ای، دریاچه ای، چشمه ای، قطعه سنگی، کوهی، ماری ویا پرنده ای [انزو = پرنده اسطوره ای خیانتکار در میانرود] و یا هر موجود و هم انگیزی مشخص می شدند. این مکان ها از دیدگاه منظر شناختی، هر یک به عنوان یک مرکز تلقی شده و به قربانگاه و سپس به معبد، کاخی ویا یادمانی تغییر و به جایگاهی مقدس مبدل می گردید.

برترین خدای مائوری ها Iho (رفیع و در بالا)، واژه سومری dinger به معانی [ستاره و خدا] معادل تنگری Tengeri (آسمان، خدا) ترکی مغولی، مترادف با، الو Ellu [I lu] اکدی بمعنی تجلی آسمان است. پ، ا، برتن P.A. Barton معتقد است، که آنو Anu (خدای آسمان)

شده اند. خدایان، نظیر خدا ماه (سین) و خورشید (اتو = شمش) تجلی ایزدان بودند و خدایان بر این کرات فرمان می رانند (بوترو، ۱۳۸۷، ۹۰).

رودخانه ها و آبراهه ها این مزیت را داشتند، که جابجایی پیکره های ایزدان بر روی قایق در مسیر آنها به سادگی صورت می پذیرفت. همانند سفر چندین کیلومتری الهه ننه - سین از شهر اور در جنوب میانرودان به نیپور (معبد اینه نا) در شمال و در امتداد رودخانه فرات (بنگرید به: همان، ۱۷۶).

دیگر معابد، بانظر به ویژگی شان در مکان های متفاوتی غیر از ساحل آنها ایجاد می شدند. هم چون معبد آشور، و معبد خدای کوهستان (اکور).

معبد قله بلند (ا. سگ ایل)، کاخ خدایان جهان زیرین (محل اقامت ارشکی گل، برنگ لاجورد) و... خدایان میانرودانی و ایلامی دارای ویژگی های خوب (کیهانی) و یا بد (شیطانی) بودند. مهمتر ن شاخصه آنها دارا بودن کیتن = کیدن (اکدی) معادل (مه) سومری یا فره ایزدی بود (هینس، ۱۳۷۶، ص ۵۸).

انجمن تصویری خدا [پانتئون = اوکین / پوخر و] میانرودانی متشکل به بیش از سه هزار خدا بوده است. در جلوی نام هر یک در نگارش خطوط میخی واژه سومری (دینگر) و در زبان اکدی واژه (ایلو) قرار می دادند. میانرودانی ها نخست بر باور بت پرستی و چند خدایی بودند، که از حاصل خردگرایی شان، ویافتن یک دلیل عقلایی برای هر پدیده و رخداد عینی و غیر عینی به باور چند خدایی با محوریت تک خدایی [هنوتیزم] رسیدند (بنگرید به: بوترو، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

حدوداً در اواخر دوران پیش از تاریخ از آسیای مرکزی به بین النهرین رفته است (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۷۸).

ژان بوترو بر این باور است، که: نخستین ساکنان این سرزمین که به تدریج سربرآورده بود، دست کم از هزاره ششم پ- م و از نواحی کوهستانی شمال غرب، شمال، و شرق [فلات ایران] در منطقه سکنی گزیدند (بوترو، ۱۳۸۷، صص ۱۴-۱۳)، (شکل ۲). در نهایت، سومریان در برخورد با اقوام شمال غربی، شمالی و یا ایلامیان، روند شهرسازی و ایجاد معابدشان متحول گردیده است. عناصر و مکان های ویژه ای در تمکن گزینی مکان های مقدس دخیل بوده اند.

درختانی نظیر کنار بن، نخل بن، بلوط بن، تاک بن [درخت زندگی = مس geshin یا، کیس کانو = درخت مقدس معبد اریدو]، درختان جنگلی، بوته های گز (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ص ۵۴) به مناسبت مرکزیت و قداست در جوارشان معابد ایجاد گردیده اند.

آب نمود باروری، که در واژگان سومری (A=آ) تلفظ می شده است، هم چون دریای ایزو، و در دوره اکدی (مرتو) و یا در زبان پهلوی (فراخکرت) گرداگرد زمین را در برمی گرفته است. بر این باور معابدی در کنار و مشرف بر رودها، چشمه ها، دریاها و برکه ها احداث می نموده اند.

طغیان رودها، خشکسالی، شیوع بیماری ها، مرگ و دیگر رویدادها که زندگی جوامع پیشین خاور نزدیک را تهدید می کرده است، منجر به افزوده شدن تعداد خدایان گردیده است. و بر این اساس معابد کوچک و بزرگ در روستاها و شهرها ساخته

ازین شکل را در نقش برجسته حاکم شوش یعنی پوزوراین شوشینک [کوتیک این شوشیناک (ایلامی)] حدود ۲۱۵۰ قبل از میلاد] در پایان دوره اکد را می‌توان مشاهده کرد (همان ۱۰۷).

اطلاع روشنی از ایجاد نخستین معابد در خاور نزدیک در دست نمی‌باشد. اما بر اساس خط نگاره ای میخی *cuneiform* از اوایل هزاره اول، ق-م که بر گرفته از ۲ یا ۳ منبع مستقل از حماسه خلقت از زمانی که مردوک خدای ممتاز از دیگران بوده بر جای مانده که در بخشی از لوح چنین آمده است: هیچ محل مقدسی، هیچ معبدی در مکان مقدس خود، هنوز ساخته نشده بود، هیچ نیزاری نرویده بود، هیچ درختی مشهود نبود، هیچ آجری چیده نشده بود، هیچ قالب آجری ساخته نشده بود، هیچ محل اسکانی ساخته نشده بود (همان ۱۱۶).

معابد کوچک روستاها که بیش ازدو اطاق نداشته اند، قبل از معابد بزرگ شهری ایجاد شده اند. معابد دوره های نخست اریدو از این نمونه است. روند تحولات اجتماعی-سیاسی و فرهنگی، ایجاد و توسعه شهرها التزام به ساخت معابد بزرگ را ایجاب کرده است. مهمترین معابد شهرهای بزرگ ذیقورتو [زیگورات *zikkurat*] نام داشت، ۳ تا ۷ طبقه بین ۳۰-۹۰ متر ارتفاع، یک برج چندطبقه که به بالا باریک می‌شد و طبقات، با راه پله ای به هم می‌پیوستند. طبقه بالای آن برای نیایش و رصد ستارگان [و یا ازدواج مقدس] بوده است (بوترو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲)، (شکل ۳).

با لحاظ نمودن شرایط اقلیمی در پایان دوره پلیاستوسن و تحولات اقلیمی که منجر به گرم

آرزوی زندگی جاوید، سومریان کهن را بر آن داشته است، که در اسطوره های بجامانده شخصیت هایی را بازیابیم که در جستجوی عنصر جاودانه ساختن حیات بوده اند. حماسه گیل گمش پسر لوگل بنده، پادشاه اوروک مارا به این باور رهنمون می‌نماید که تصور نمایم، از دوران باستان معدودی از خدایان میانرودانی شخصیت هایی انسانی بوده اند. نام چند فرمانروا را حوالی آغاز هزاره دوم، ق-م می‌یابیم که در الواح، پیش از نام آنها در مواردی (نشان توصیفی) الهه (ستاره) را قرار داده اند (همان، ۸۳).

خدایان هرگز در قلب و روح انسان های کهن سومری تصور نشده اند. آنها رعب آور، غیر قابل دسترس بودند. پیکره هایشان از گل و در مواردی از چوب، سنگ، فلز و گیاهان ساخته می‌شدند، که نشان دهنده رب النوع های عظیم الشان به شکل انسان می‌باشند. تصور خدایان در اصل انسان انگارانه بوده است. این تفکر، اندیشه ای سومری بوده که طی دوره احیای سومرنو- اکد با مفهوم شاه - خدا در اکد باستان تلاقی یافت و بدین ترتیب، معابد ساخته شده برای پادشاهان سومر و اکد [دونفرز پادشاهان] را، که سعی در خلق فرهنگی واحد به منظور تجلی قلمروی یکپارچه داشتند- دیگر نمی‌توان جدا از معابد خدایان شمرد (مورتگات ۱۳۷۷، ص ۱۱۳). این زمان مصادف با سلسله سوم اور (۲۰۰۴-۲۱۱۲ ق-م) و ساخت زیگورات های واقعی در میانرودان و مقارن سلسله سیماشکی در ایلام است. در میانرودان مجسمه مفرغی رب النوعی زانو زده، که در پی بنا کار گذاشته شده است، نمونه ای

شدن آب و هوا و ذوب شدن یخچال های دوران کواترنری می گردد، پیرامیه معتقد است که: بعد از دوران یخبندان و پس از طوفان نوح (ع) نخستین استقرار در میانرودان در اریدو Eridu است که بنابر اساطیر معاصر با آن روستای پراکنده ای در دشت شوشان (هزاره پنجم ق- م) مسکن گزیده اند (آمیة ۱۳۷۲، ص ۱۹). میانرودان که تقریباً بر عراق امروزی منطبق است، از دیدگاه زمین شناسی یک سرزمین کهن شمرده نمی شود. بین النهرین نیز، چند هزاره پس از پایان یخبندان بزرگ اروپا. شاید حدود دوازده هزار سال پیش سر برآورده است (همان، ۱۳). شرایط مطلوب زیست محیطی دشت خوزستان بر اساس تاریخ نگاری اخیر از نمونه آزمایشگاهی انتخاب شده از رسوبات ۶- متر از سطح دشت شوشتر (در محوطه تل ابوچیزان که نخستین استقرار فرهنگی آن بازمتعلق به هفت هزار سال پیش است) به روش Accelerator Mass Spectrometry در دانشگاه ویکاتو نیوزلند انجام پذیرفت، قدمتی معادل ۱۱۲۷۰ سال پیش را داراست. در این زمان شرایط زیست کوانتومی تحت اقلیم نیمه خشک - خشک بوده، ولی تا قبل از هفت هزار سال پیش به دلیل گسترش تالاب ها مکان گزینی در دشت شوشتر صورت نگرفته است (رضایی ۱۳۸۷، ص ۵۲۲). بر اساس بررسیهای بیوژئودینامک. کرکبای (Krikby 1977) جلگه خوزستان، در هزاره نهم پیش از میلاد رودخانه ها در دشت جاری بوده اند (دلفوس ۱۳۷۶، ص ۱۴۰). نخستین استقرارها در تپه علی کش (Hole, et al 1969 p10) و چغابنوت (Kantor, 1978, p191) در دشت

شوشان ایجاد شده است. یعنی در آغاز دوره هولوسن، اما تاکنون شواهدی از شکل گیری معابد اولیه تا قبل نیمه دوم هزاره چهارم ق- م (معبد شوش) در دست نیست (بنگریدبه: آمیه پیشین، شکل ۲۵). معبد انکی رب النوع آب سومری ها در اریدو قدیمی ترین مرکز تمدن سومر در مجاورت کرانه دیرین خلیج فارس، می بایست در دوره آغاز تاریخی (دوره اوروک) یا عبید ساخته شده باشد، که البته ابعاد آن از ابعاد بناهای انا (خانه آسمان) کوچک تر است. این بنا بتدریج به (معبد علیا) معبد بزرگی بر فراز سکوی بلند نامتناسبی تبدیل شده است. این معبد نمونه اولیه زیگورات، یعنی سیمای باشکوه معماری سومری- بابلی شد (مورگات ۱۳۷۷، صص ۷- ۵). غالب معابد میانرودانی چهار گوش بوده اند که عمدتاً در جهات جغرافیایی قرار داشته اند. معدودی از معابد نظیر خفاجه بیضی شکل بوده که در دوره بعد (سلسله های نخستین اور) به چهار گوش تغییر شکل داده است (همان ۷۲۲). ایجاد معابد با سلیقه های مختلف به صورت خشتی یا آجری، دیوارهای تزیین شده، بالاتر یا پایین تر از سطح زمین، آجرهای چهار گوش یا بیضی شکل، حیاط مرکزی یا حیاط های تودرتو، حجره های خادمین و ویژه، یک اشکوبه یا سه تا هفت طبقه و... ساخته می شده اند. گرچه شباهت کلی بین معابد ایلامی و میانرودانی وجود ندارد، لیکن نمی توان تاثیر متقابل هر دو فرهنگ در ایجاد بناهای مذهبی را انکار نمود. این تاثیر بگونه ای است، که برای خدایان هم نام در هر دوسرزمین معبد ساخته اند.

ویژگی‌های معابد ایلامی

معابد ایلامی که در طی تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناختی سده گذشته کشف گردیده‌اند، اغلب در نیمه جنوبی ایران قرار دارند. مناطق شوش، اوان، انشان و سیماشکی مهمترین مراکز حکومتی و جمعیتی بوده، که موقعیت مکانی شان مورد توافق پژوهشگران واقع نگردیده است. گستره جغرافیایی ایلام را دو منطقه کوهستانی و دشت‌های ساحلی کرانه شمالی خلیج فارس تشکیل می‌داده است. بر اساس ویژگی‌های آیین‌ها و باورهای ایلامی، وهم‌چنین تاثیر فرهنگ اقوام میان‌رودانی معابد گوناگونی در چشم‌انداز ایلام ایجاد گردیده است. مهمترین معابد شناخته شده عبارتند از:

معبد ایشی‌گرب (معبد پایه دار)، معبد لاگامار، معبد نیپر (سین = سومری)، معبد هوپشن (منزت) تپه دهنو، متعلق به هزاره سوم ق- م با آجرهای کتیبه دار واقع بر ساحل رودخانه لره، معبد نروته، معبد هومبن (چغازنبیل) که توسط اونتش گل پسر هومبن نومن - حدود ۱۲۴۵-۱۲۶۵ ق م ساخته شد، معبد اینشوشینک A و B واقع در اشکوب یک زیگورات چغازنبیل (شکل ۴) مشرف بر رودخانه دز، معبد سه تلون (سه تپه) متعلق به هزاره دوم ق- م، معروف به کورنگون بانقش برجسته هومبن، معبد اینشوشینک (خدای شوش) همزمان با بابل قدیم بر روی صدف مشرف به رودخانه کرخه کهن، معبد روهوراتر (خدای کوهستان)، معبد سی بانکول (جنوب شرقی معبد اصلی شوش)، معبد نوسکو (چهار خدای نیراتپ) - معبد کیریرش - معبد داد- معبد نینالی - معبد

پینیکیر واقع در محوطه زیگورات چغازنبیل، معبد کیریرش (الهه بزرگ مادر در ساحل لیان و مشرف بر خلیج فارس)، معبد پینیکیر (مال امیر = ایزه) با تاریخ ۷۱۰ ق- م، معبد پارتی (منطقه انشان = تل ملیان)، معبد روهوراتیر واقع در هوهنور [شرق نورآباد ممسنی]، معبد نروندی متعلق به ۲۲۰۰ ق- م (برگرفته از: مجیدزاده ۱۳۷۱، صص ۵۰-۵۱). معبد نیناکی (هینس ۱۳۷۶، ۶۲)، و....

مکان‌گزینی معابد ایلامی

معابد برافراشته شده در دشت‌های ساحلی، غالباً در کنار و مشرف بر رودخانه‌های اصلی جاری در دشت شوشان، و یا در ساحل خلیج فارس احداث شده‌اند. بقایای ریشه‌های فسیلی شناسایی شده درختان در رسوبات (رضایی ۱۳۸۴، صص ۳۲)، و وجود درختان پراکنده در پهنه دشت خوزستان تاکید بر تراکم پوشش درختی منطقه در هزاره‌های گذشته دارد. در دوره ایلامی گونه‌های گز و گیاهان مردابی حواشی تالاب‌ها را در بر داشته، و روستاها و شهرها بین درختان کنار، سریم، کنار تلخ، و... قرار گرفته بودند. در این دوره با به عمق رفتن رودخانه‌ها بر اثر فرسایش بسترسان، ایلامی‌ها با ایجاد سازه‌های آبی و انتقال آب به اراضی موجبات توسعه کشاورزی و شهرسازی را فراهم نموده‌اند. بشرف‌های اقتصادی- اجتماعی- سیاسی و فرهنگی ایلامیان موجب گردید، تا معابد عظیم و باشکوهی از این دوره تاریخی به یارگار بماند. معابد شهرهای شوش، هفت تپه، دور- اونتش (چغازنبیل)، لیان (بوشهر) و شوشتر از آن جمله‌اند.

ایجاد گردیده، که از شمال به بزرگترین مآندر رود دزو، و از جنوب به آهودشت و ساحل کهن خلیج فارس محدود می شده است.

هفت تپه (کپنک) مکان باستانی دیگری است که در ساحل رود دز مکان گزینی شده است. معبد از خشت و قسمتهایی از آجر ساخته شده اند. به دور معبد دیوار خشتی قطوری کشیده شده است - جهات دیوار کامل نیست - زیگورات (یا کاخ های ۱ و ۲) نیز از خشت و قسمتهایی از آجر ساخته شده اند، در بخشهایی دیوار قطور بدست آمده است (بنگرید به: نگهبان ۱۳۷۲، صص ۹۶-۸۲).

ویژگیهای مکان گزینی معبد کمول (بردکارگر)

شوشتر

دشت شوشتر تقریباً به ۱۶۰۰ کیلومتر وسعت مربع دارد. نخستین استقرارهای فرهنگی آن از هفت هزار سال پیش، و در فاز شوشان میانه متاخر ایجاد شده اند. تحولات رودخانه کارون و حرکات تکتونیکی موجب متروک شدن و جابجایی مکانهای باستانی تا به امروز گردیده است.

از بررسی های دشت شوشتر نتیجه می گیریم، که بیشترین تمرکز جمعیتی به تناوب نخست در دوره ایلام (رضایی ۱۳۸۷، صص ۵۴) و سپس

دردوره اسلامی قدیم (Moghaddam and Miri 2003p135) بوده است. بررسیهای

زمین باستانشناسی دشت نشان داده است، در دوره هولوسن میانه (۴۵۰۰-۷۰۰۰ سال پیش) تالابها بخشهای وسیعی از دشت را در اختیار داشته اند، با تغییر اقلیم و خشک شدن تدریجی مردابها و برکه ها، اراضی وسیعی برای ایلامیان

مجید زاده (۱۳۷۱، صص ۵۴) ویژگی معابد ایلامی هزاره سوم ق-م را بشرح زیر بر شمرده است:

۱- معابد مرتفع اند [بر پشته های مشرف به رودخانه ها و بیش از یک طبقه اند].

۲- راست گوشه اند [اغلب مربع شکل].

۳- برمصطبه ساخته شده اند [معبد اینشوشیناک شوش].

۴- نمای آجری دارند.

۵- درگاههای تزئینی داشته اند.

۶- پرده حصیری بر روی درهای ورودی [تهیه شده از نیزارهای مردابها].

۷- سطح معابد مسطح بوده اند.

۸- در سمت راس بسته بوده.

۹- بام از چند لایه الوار تشکیل شده [از درختان متراکم دشت در ادوار پیشین].

۱۰- یک ردیف پنجره کوچک چهار گوش بین بام و خط چهار چوب درها برای تهویه.

۱۱- سه شاخ بر روی دیوار دوسویه معبد [دلالت بر پرستش ماه].

۱۲- درها از چوب سرو با پوشش مفرغی.

۱۳- معابد در ساحل رود ها ساخته شده اند.

۱۴- معابد در کنار درختان جنگلی و گز ساخته شده اند.

هر معبد دارای دو اطاق بوده که یک یا دو سکو داشته اند. اغلب با آجر های بزرگ فرش شده اند (هینس ۱۳۷۶، صص ۶۲).

در هزاره دوم ق-م عظمت و شکوه معابد ایلامی را در معبد چغازنبیل مشاهده می نماییم.

زیگوراتی که دارای پنج طبقه بوده، و از خشت و با پوشش آجر است. سه دیوار قطور گرداگرد آن

فراهم بوده است. دانش و آگاهی آنهادر ارتباط با سازه های آبی زمینه سازتوسعه شهرسازی و شکوفایی تمدن ایلامی بوده است. تراکم های وسیع خاک رس وسوخت گیاهی از جمله فراورده هایی بوده اند ، که توالی تولید ، و ارزشمند نمودن ظروف و اشیای سفالی، معابد خشتی و آجری نقش عمده ای داشته است.

بقایای یک شهر ایلامی میانه در جوار روستای نورعلی در شرق شهر شوشتر قرار دارد (شکل ۵).

محوطه نورعلی (با مختصات جغرافیایی ۴۸ درجه ۵۶ دقیقه ۵۰ ثانیه طول شرقی و ۳۱ درجه ۵۸ دقیقه ۴۵ ثانیه عرض شمالی با ۵۱ متر ارتفاع از سطح

دریا) براساس بررسیهای رسوب شناسی بر نهشته های خشک و متراکم شده مردابی پیش از دوره ایلام ساخته شده است. هنوز هم قیرهای بکاربرده

شده جهت جلوگیری از رطوبت زمین در کف ها و دیوارهای آجری قابل رویت است. هم چنین شواهد گویای پوشش درختی نسبتاً متراکم گذشته

نسبت به امروز دارد. در جنوب شرقی نورعلی در دور ایلامی برکه آبی گسترده ای با جهت شمال شرقی - جنوب غربی از دامنه ارتفاعات کوه خیاط

تا رود کارون امتداد داشته است. محوطه پیش از تاریخی درخزینه (با مختصات جغرافیایی

۴۸ درجه ۵۹ دقیقه ۱۶ ثانیه طول شرقی و ۳۱ درجه ۵۴ دقیقه ۲۳ ثانیه عرض شمالی با ۴۰ متر ارتفاع از سطح دریا) که از لحاظ مطالعات زمین

باستانشناسی دارای اهمیت ویژه است (بنگرید به: Lees and Falcon 1952, p32) در

دوره ایلامی مدفون در مرداب طولی فوق الذکر بوده است .

گرداگرد این مرداب را گیاهان مردابی و درختان گز، نی، کهورک، و... مستور داشته اند. یک تراس طبیعی با ساخت سازند آغاچاری، در جهت شمالی بر برکه مشرف بوده است. علاوه بر شهر ایلامی نورعلی دو محوطه چغاچمبر (با مختصات جغرافیایی ۴۸ درجه ۵۶ دقیقه ۳۸ ثانیه طول شرقی و ۳۱ درجه ۵۷ دقیقه ۰۸ ثانیه عرض شمالی با ۵۴ متر ارتفاع از سطح دریا) و محوطه برد کارگر (با مختصات جغرافیایی ۴۸ درجه ۵۷ دقیقه ۰۶ ثانیه طول شرقی و ۳۱ درجه ۵۷ دقیقه ۵۶ ثانیه عرض شمالی با ۶۸ متر ارتفاع از سطح دریا) بر نهشته های آبرفتی تراس مذکور ایجاد گردیده اند. آبرفت دره های شمالی دشت بر روی تراس مستقر گردیده، وزمینه ساز رویش مراتع، درختان و بوته زارها بوده است. در این چشم انداز در دوره ایلام میانه معبد کمول بر بلندای مشرف به برکه نیلگون ساخته شده است. با لحاظ نمودن موارد بیان شده، ویژگیهای مکان گزینی معبد کمول عبارتند از:

۱- همجواری معبد با شهر ایلامی نورعلی در جهت جنوب شرقی.

۲- مشرف بودن معبد بر پهنه نیلگون مرداب در جهت جنوب.

۳- وجود چشمه های (گراب) با آبگرم و (آبگاہ) با آب شیرین در دامنه های شمالی، که آب مورد نیاز معبد را تامین می کرده است.

۴- تراکم کناربن ها و دیگر درختان پیرامون معبد.

۵- فرسایش بطنی اراضی تل بردکارگر نسبت به محوطه های باستانی همجوار.

منزل و ۶ کیلومتری شمال شرق روستای نورعلی واقع است. جهت دسترسی به محوطه تل بردکارگر، می بایست از طریق جاده آسفالته شوشتر- مسجد سلیمان و سپس بعد از حدود ۹ کیلومتر از جاده خاکی روستای پیرگوری بعد از ۴/۵ کیلومتر و گذر از چند مسیل فرعی در امتداد جنوب به سنگ نشانه (میل برد کارگر-شکل ۷) که یک مشخصه است رسید، که محوطه در ۴۰۰ متری جنوب آن واقع گردیده است..

آثار حفاری غیرمجاز به وفور بر سطح تپه مشاهده می گردد. دامنه های تپه بتدریج به سمت دشت و مسیل های جانبی کاهش می یابد. نزدیک ترین منبع آبی قابل دسترسی، مسیل روخانه فصلی است مسیل های فصلی از جهت شمال شرقی - جنوب غربی و از شمال و غرب محوطه عبور می کنند. پیرامون بخش غربی و جنوب غربی محوطه فرسایش کمتری نسبت به سایر قسمتها دارد. میزان فرسایش محوطه را می توان نیمه فعال تلقی کرد.

ویژگیهای محیطی: توپوگرافی شامل صخره محوطه برد کارگر و مسیل هایی به عمق حداکثر ۶ متر و تپه ماهور هایی که پوشیده از مراتع بوده و دامنه های غربی آنها چهره سولی فلوکسیون دارد.

رخ نمودن ماسه سنگی (سازند آجاجاری) که بر روی آن نهشته های آبرفتی قرار گرفته به نظر می رسد ضخامت رسوبات خاک قبلی خیلی بیشتر بوده، که ایجاد معبد بر روی آن شکل گرفته است. بر اثر تسطیح کشاورزی بسیاری از اراضی پیرامون تا حدود ده هکتاری تخریب گردیده

۶- سنگ نشانه ی خارق العاده بجا مانده از صخره های طبیعی در شمال شرق محوطه معبد.

۷- در دسترس بودن خاک رس مرغوب جهت تولید خشت و آجر.

۸- در دسترس بودن درختان جهت سوخت کوره ها.

۹- دوربودن از طغیان سرکش رود کارون.

۱۰- محفوظ بودن از دشمنان به دلیل موقعیت استراتژیک.

۱۱- مجاورت با شاهراه ارتباطی شوش- انشان

۱۲- دارا بودن زمینه های قداست مکانی (برکه، چشمه، کناربن، سنگ نشانه، و وضوح آسمان شب)

آجر نوشته های ایلامی مکشوفه از معبد کمول(تل بردکارگر)

محوطه ایلامی تل بردکارگر (با مختصات جغرافیایی ۴۸ درجه ۵۷ دقیقه ۰۶ ثانیه طول شرقی و ۳۱ درجه ۵۷ دقیقه ۵۶ ثانیه عرض شمالی با ۶۸ متر ارتفاع از سطح دریا)، بر روی یک زیر ساخت صخره ماسه سنگی سازند آجاجاری بر پا گردیده است (شکل ۶). روند فرسایش تدریجی صخره های سنگی از جنوب محوطه به سمت شمال بوده، و هر چه به سمت جنوب حرکت کنیم ارتفاع رشته های صخره ای موازی محیط دیرین دشت بر اثر فرسایش بتدریج کاهش یافته اند و در زیر نهشته های سیلابی جدید تر مدفون گشته اند.

این محوطه باستانی در ۵ کیلومتری جنوب روستای پیرگوری و ۶ کیلومتری شمال هلاله

در دوره ایلامی در این مکان دارد (Alizadeh et al, 2004, p76). در طی بررسی های زمین باستان شناسی دشت شوشتر (رضایی ۱۳۸۵) از این محوطه دو قطعه آجرنوشته کشف شد، نام خدای کمول، و خدای آبهای شیرین نزد میانرودانیها، در آجر نوشته های دیگری از خوزستان قرائت گردیده است (بنگریدبه: ارفعی، ۱۳۷۸، ص ۹۱ و بشاش ۱۳۸۰، ص ۱۶). با لحاظ داشتن ویژگی معابد ایلام، به یقین معبد بردکارگر، بنایی چهارگوش بوده است، و آجرنوشته هایی با متن های نسبتاً مشابه قسمت هایی نمای آجری معبد را زینت می بخشیدند. ساخت این معبد در زمان حکمرانی شوتروک نَهونت، و سپس مرمت و ساماندهی آن توسط شیلهک اینشوشینک (ibid, 76). حاکی از ارزش، عظمت و شکوه معبد دارد. متأسفانه تخریب معبد بر اثر حرکت گسله ای و یا نبرد آشوریان، از ابعاد، معماری، تزئینات، و باورهای آیینی آن محروم مانده ایم. از بررسی ها و گمانه زنی های صورت پذیرفته می توان استنباط نمود:

- ۱- بدلیل تراکم سطحی آجرها در شمال و جنوب مکان معبد، دودیواره، و ورودی ها مورد توجه بوده اند
- ۲- لایه های خشت وارفته دلالت بر دیوارک های خشتی در بخش هایی از بنای معبد دارد.
- ۳- کف سنگ فرش دلالت بر مفروش بودن معبد دارد
- ۴- اندک سفال های یافت شده تاکید بر مذهبی بودن مکان دارد تا مسکونی بودن.

است. شیب عمومی: در سمت شمال، غرب و جنوب، بعد از یک گسله ماسه سنگی به تدریج به مسیلهای فصلی منتقل می شود. احتمال می رود اولین مرحله تخریب معبد بر اثر حرکت گسله ای بوده باشد. اشکال ریخت شناسی: دشت آبرفتی که کناره های آن توسط مسیل ها بریده شده، که اختلاف ارتفاع بریدگی ها تا سطح دشت از ۱۰ تا ۱۵ متر متغییر است. نوع خاک رسی - سیلتی خرده دار، با ضخامت: خیلی کم چون بر روی ماسه سنگ قرار دارد. رنگ خاک قرمر مایل به خاکستری (سیلستون شسته شده آغاجاری) در مسیلهها تا ۱۵ متر پوشش گیاهی: گرچه بر اثر زراعت گونه های بومی در سطح گسترده مشاهده نمی شود. ولی توان زیست محیطی این قسمت از حوزه بررسی بالا بوده و درصد بسیار اندکی گیاهان تیره کنگر و کمپوزیت که نشانه نامرغوبی مراتع است به چشم می خورد. این پتانسیل دلیلی بر مکان گزینی محل معبد در کنار یک آبراهه فصلی نسبتاً مداوم بوده است. نمونه های گیاهی چمن، بابونه، شقایق، شقایق نعمان، مینا، گل زرد، گل گندمی، کنار از جمله این گونه ها هستند. مواد فرهنگی: سفال کم، قطعات آجر فراوان و آجر نوشته انگشت شمار، سنگ لاشه تراش خورده در چاله های حفاری غیر مجاز، استخوان کم، کف سنگ فرش، دیوار خشتی و آجری شناسایی گردید. از بررسی باستانشناختی شرق گرگر توسط مقدم آجرنوشته هایی از معبد کمول (برد کارگوشوشتر بدست آمد (Moghaddam and Miri, 2007, p140). گمان زنی های عزیزاده در محوطه برد کارگر، تاکید بر یک معبد

1. [Ú v.Šu-ut-ru-uk-d.Nah-hu-un-te ša-a]k v.Hal-^alu-du-uš-¹
2. [d.In-šu-ši-na-ak-ke-ik su-un-]ki-ik An-za-an [Šu-]
3. [šu-un-ka₄ si-ya-an d.Ka-mu-ul-m]e mi-ši-ir-ma-ah <ta(?)>-m[a pi-]
4. [ip-ši-ir-ma-ah ku-ši-ih a-ak ir-ki-]in-ti ^aú(?)]-mi-ma
5. [d.Ka-mu-ul in du-ni-ih e d.Ka-mu-u]l ta-^aak¹-me te-im(?)-
6. [ma a-ak tu-ur-hi-ih zi-it-me-ú-na h]u-un-hi-ih-hi-ni

۳-۱من، شوتروک-نَهونت، پسر هَلودوش-این شوشینک، پادشاه شوش.

۴-۳ پرستشگاه (ایزد) کَمول را که ویرانه‌ای شده بود، آن را در همان جای برآن شدم که بازسازی کنم، (آن را) ساختم و

۵-۴ برای تداوم (؟) (زندگانی)ام آن را به (ایزد) کَمول (هدیه) دادم.

۶-۵ هلائی (ایزد) کَمول باشد که به جای آن زندگانی‌ای نیکو (معنی لغوی: دل‌پسند، مطبوع) و

پادشاهی‌ای با موفقیت بدست آورم. نخستین بار نام ایزد کَمول را یکی از ارائه کنندگان در آجر نبشته‌ای از شوتروک-نَهونت یافت که گفته شده بود از جایی میان شوش و شوشتر بدست آمده است (ارفعی ۱۳۷۸ صص

آجر نوشته های مکشوفه

۱- آجر نوشته ایلامی: از جنس آجر به عرض ۹ و ارتفاع ۱۰/۳ سانتیمتر با رنگ نخودی است، که دارای کاربری معماری بوده و متعلق به دوره ایلام میانه است که از محوطه تل بردکارگر به دست آمده است. این اثر از یک جهت دارای کتیبه است که از سه جهت دیگر به صورت یک مثلث شکستگی یافته است. به دلیل فرسایش وساییدگی، برگردان متن کتیبه این آجرنوشته امکان پذیر نیست (شکل ۸).

۲- آجر نوشته ایلامی: از جنس آجر به طول ۱۶/۵ و عرض ۱۶/۵ و ارتفاع ۹/۵ سانتیمتر با رنگ نخودی است که دارای کاربری معماری بوده و متعلق به دوره ایلام میانه می باشد این شیئی نیز از محوطه بردکارگر به دست آمده است آجر کتیبه دار شکسته که در یک جهت دارای کتیبه است (شکل ۹). جهت قرائت کتیبه این آجرنوشته، تصویر آن به پژوهشگر ارجمند زبانهای باستانی (عبدالمجید ارفعی) ارائه گردید. آجر نوشته ها به همراه دیگر اشیای بدست آمده از بررسی وگمانه زنی زمین باستان شناسی دشت شوشتر به سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی وگردشگری استان خوزستان تحویل گردیده است.

آجر نبشته ای از شوتروک- نَهونت از تل برد کارگر

A Brick Inscription of Šutruk-Nahunte From Tol-e Bard-e Kārgar

تپه‌های باستانی میان دوآب شوشتر انجام گرفت و وی برای شناسایی و خواندن آجر نبشته‌های یافت شده به مدت یک هفته بدان جای دعوت شده بود، دریافت که بیش از نیمی از آن آجر نبشته‌ها که تمامی آن‌ها از تُلِ بردکارگر یافت شده بودند و همانند دو آجرنبشته‌ای هستند که وی و میشو به چاپ رسانیده‌اند. و بدین طریق آشکار شد که بازمانده‌های تل بردکارگر پرستشگاه ایزد کمول است که شوتروک-نَهونت در نیمه نخست سده دوازدهم ساخته و در دوره ایلامی نو تعمیر و بازسازی شده است.

سطرهای ۳-۴: برای ترجمه عبارت tak-me pi-ip-ši-ir-ma-ah ku-ši-ih "در همان جای برآن شدم نو سازی کنم، (آنرا) ساختم، نگاه کنید به Michaud 2000: 15 n.7 .
 سطر ۴: برای ترجمه ir-kin-ti "تداوم" نگاه کنید به Stolper 1979: 90 .
 سطر ۶: برای شیوه خواندن و ترجمه این سطر نگاه کنید به Grilhot 1982: 8-9 .

منابع

- آمیه، پیر، ۱۳۷۲، تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی - انتشارات دانشگاه تهران
 - ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۷۸، آجر نبشته‌ای از شوتروک-نَهونت، پادشاه ایلام، Šutruk-Nahhunte X-1، یاد یار مهربان، به کوشش هماگرامی (فره وشی). تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر. صص ۸۹-۹۵
 - الیاده، میرچا، ۱۳۷۲، رساله در تاریخ ادیان، مترجم جلال ستاری، انتشارات سروش

۸۹ تا ۹۶). وی در مقاله نشان داد که بر خلاف تصور رایج میان آشورشناسان که این ایزد را از خدایان کاشی می پنداشتند، ایزدی است ایلامی که پیش از آمدن کاشیان به میانرود پرستش وی در ایلام مرسوم بوده است (همانجا، ص ۹۱). در متنی (Scheil, MDP 22 85) که به احتمال بسیار به هنگام فرمانروایی تمی-هلکی (-Temti halki) و فرمانداری کوک-نشور (Kuk-našur) از سلسله سوگل-مخ‌ها (sukkal-ma©) (حدود ۱۶۵۰ پ.م.) نوشته شده (حدود دو سده پیش از آمدن کاشیان به میانرود)، نام ایزد کمول را در نام خاص [Nūr-dKa-m[ul] (سطر ۱۴) - یکی از گواهان است- دید که در حال حاضر کهن‌ترین ارجاع به این ایزد است.

در زمانی که وی هنوز در موزه ملی ایران به کار سرگرم بود، تعدادی آجر نبشته توقیفی از غارتگران میراث فرهنگی برای خواندن در اختیار وی گذاشته شد که همگی آن‌ها دارای متنی همانند متن پیشتر خوانده شده، بودند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی (فروردین ماه ۱۳۷۹) اوان میشو (Ewan Michaud) در مقاله‌ای در مجله NABU متن آجر نبشته‌ای ایلامی کامل و سالمی را که در بازار پیشاور پاکستان یافته بود و متن آن همانند دیگر متن دربردارنده نام ایزد کمول بود، منتشر می کند و سبب اصلاح سطرهای ۳ و ۶ متن خوانده شده وی می شود.

در زمستان سال ۱۳۸۱ با بررسی‌هایی که از سوی هیات مشترک پژوهشکده باستانشناسی میراث فرهنگی و موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو در

- گاردنر، هلن، ۱۳۷۰، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات آگاه
- مجید زاده، یوسف، ۱۳۷۰، تاریخ و تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی
- ملک شه میرزادی، صادق، ۱۳۷۳، مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین مصر - جهاد دانشگاهی هنر چاپ کامران
- مورتگات، آنتون، ۱۳۷۷، هنر بین النهرین باستان هنر کلاسیک خاور نزدیک مترجم انگلیسی جودیت فیلسیون، مترجمان فارسی زهرا باستی - محمدرحیم صراف، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- نگهبان، عزت ا...، ۱۳۷۲، حفاری هفت تپه دشت خوزستان - سازمان میراث فرهنگی کشور - چاپ انتشارات علمی و فرهنگی
- واندروردن، بارتل ل، ۱۳۷۲، پیدایش دانش نجوم، ترجمه همایون صنعتی زاده، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)
- هینس، والتر، ۱۳۷۶، دنیای گمشده عیلام - ترجمه فیروز فیروزنیا - انتشارات علمی فرهنگ
-
- Alizadeh, A. 1977, Excavation at Chogha Bonut: The Earliest Village in Susiana, Iran, The Oriental Institute, New & Note, No 153 Chicago
- Alizadeh, A. 2003, A Excavation at The Prehistoric mound of Chogha Bonut, Khuzestan. Iran Chicago: The university of Chicago (oriental institute Publications 120).
- Alizadeh, A. N, Kouchoukos. T, J, Wilkinson. A, M, Bauer and M, Mashkour 2004 Human-Environment Interaction on The
- بشاش، رسول، ۱۳۸۰، دو آجرنوشته عیلامی میانه در موزه میر عماد، مجله موزه ها - دوره جدید، شماره هشتم، پیاپی بیست و هفتم - بهار، چاپ صنوبر
- بوترو، ژان، ۱۳۸۷، مذهب در بین النهرین باستان، ترجمه خشایاربهاری، انتشارات فرزین
- دلفوس، ژنویو، ۱۳۷۶، اشغال شوشان در هزاره پنجم و آغاز هزاره چهارم، در شوش و جنوب غربی ایران، بکوشش پرو - دلفوس ترجمه هایده اقبال صص ۱۵۰-۱۳۸ انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران فرانسه در ایران، چاپ معراج
- رضایی، عبدالحمید، ۱۳۸۴، توصیف ویژگی های طبیعی دشت میاناب شوشتر، سلسله گزارشهای باستان شناسی (۸) بررسی های باستان شناختی میاناب شوشتر، بکوشش عباس مقدم - پژوهشکده باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
-
- ۱۳۸۶، گزارش مقدماتی بررسی و گمانه زنی زمین باستان شناسی دشت شوشتر، پژوهشکده باستان شناسی (در دست چاپ)
-
- ۱۳۸۷، بررسی روند ایجاد، توسعه و تخریب استقرارهای دشت شوشتر در دوره هولوسن - براساس داده های زیست بوم شناختی، تز دکتری باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس
- فیروزمندی شیره جینی، بهمن، ۱۳۷۸، باستان شناسی و هنر آسیای صغیر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

Susiana, South Western Iran ___ in /
Iran 41:PP 99-137

-Moghaddam, A and Miri
, N, 2007, Archaeological Surveys in
the 'Eastern Corridor', South-
Western Iran. IRAN volume
xlv, pp23-55

Upper Khuzestan Plains , South
West Iran .

Recent Investigation

-Grillot-Susini, F. 1982, Notes à
propos des formules votives
élamites, Akkadica 27, 5-16

-Michaud, Ewan, 2000, Le culte dieu
Kamul en Elam, NABU, n.1 (mars),
14-15

-Stolper, M. 197, Inscribed
Fragments from Khuzistān, Cahiers
de la Délégation

Archéologique Française en Iran
8, 80-96

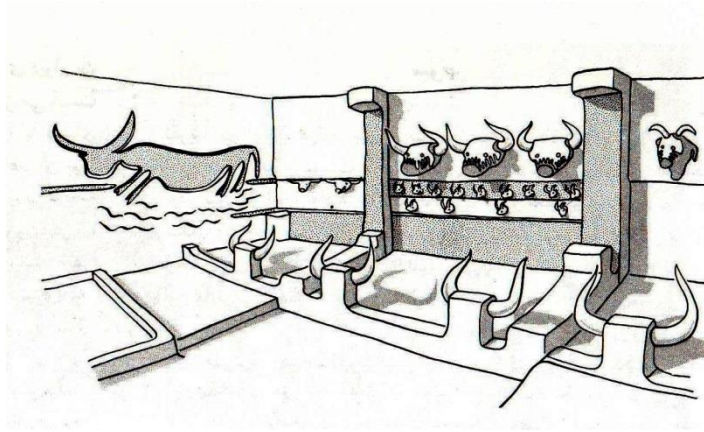
-Hole, F. Flannery, K and Neely, 1969,
Prehistory and Human Ecology of
The Deh Luran Plain . Memoris of
The Museum of Anthropology, No
1. Ann Arbor ,The University
Department of Anthropology.

-Kirkby, Micheal J. 1977, Khuzistan
Plains. In / The Archaeological
History of the Deh Luran Plan,
Memoir No.9. ed. Frank Hole. Ann
Arbor: University of Michigan,
Museum of Anthropology.

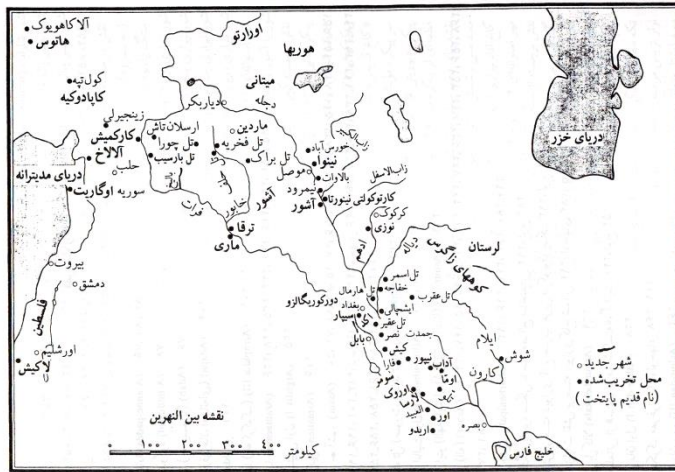
-Larsen, E. Curtis. 2007, The
Mesopotamian Delta Region : a
Reconsideration of Lees and Falcon .
Journal of the American Oriental
Society, Vol, 95, No1 (Jan-
mar., 1975) PP:43-47

-Lees, G and Falcon, 1952, The
Geographical History of The
Mesopotamian Plain. The
Geographical Journal 68 : pp 24-39

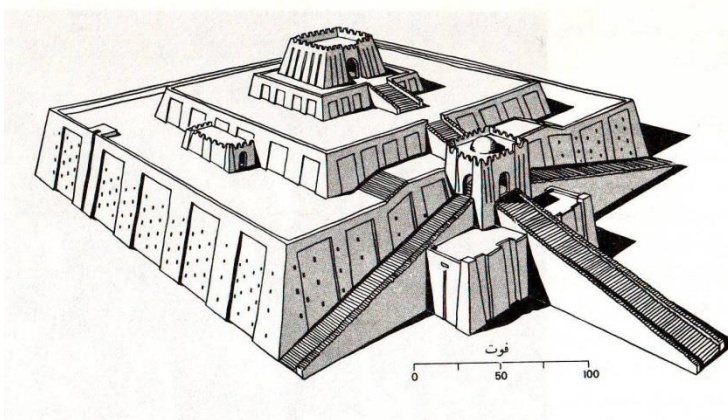
-Moghaddam, Abbas. and Miri, N.
2003, Archaeological Research in
The Mianab Plain of Lowland



شکل ۱ - معبد گاو چاتال هویوک ۵۹۰۰ پیش از میلاد



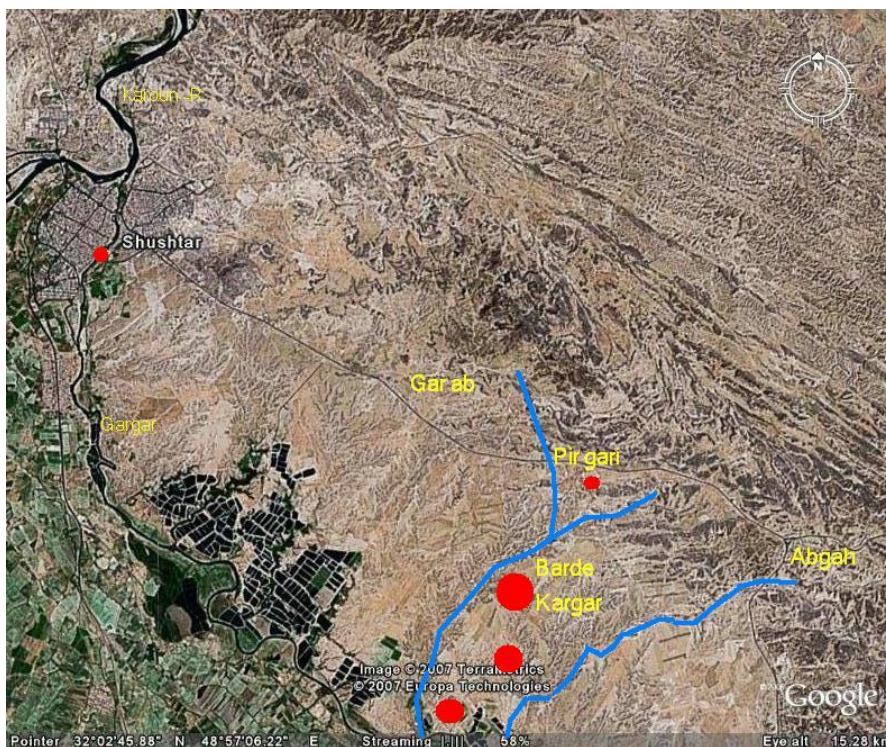
شکل ۲ - نقشه خاور نزدیک



شکل ۳ - زیگورات اور ۲۱۰۰ پیش از میلاد



شکل ۴ - زیگورات چغازنبیل



شکل ۵ - موقعیت مکانی معبد کمول تل برد کارگر



شکل ۶ - تل برد کارگر



شکل ۷ - سنگ نشانه تل برد کارگر



شکل ۸ - آجر نوشته ایلام میانه از برد کارگر



شکل ۹ - آجر نوشته ایلام میانه از برد کارگر